

چرا زاد و ولد ایرانی ها کاهش یافته است؟

جمعیت شناسان نرخ زاد و ولد را تابعی از نرخ مرگ و میر می دانند . به عبارت دیگر اگر مرگ و میر در جامعه ای زیاد باشد ، زاد و ولد هم زیاد می شود و اگر مرگ و میر کم شود ، زاد و ولد هم کم می شود.

کد خبر: ۳۴۶۶۵۷

تاریخ: ۲۸ تیر ۱۳۹۳ - ۱۶:۱۷

زنان ایرانی دو نسل پیش، مثل تمام زن های جهان بچه های زیادی به دنیا می آوردند، به عبارت دیگر زنان از نظر بیولوژیکی تا زمانی که به دوره یائسگی نمی رسیدند، فرزند آوری داشتند.

به گزارش ایرنا، بسیاری از مادر بزرگ های ما حتی بیش از 10 بار زایمان داشتند به گونه ای که برخی از آنها به 19 زایمان هم اشاره کرده اند. ناگفته نماند که عمر تمام فرزندان آنها به رغم زاد و ولد زیاد ، به دنیا باقی نمی ماند و شاید از 12 کودک هفت یا هشت فرزند یا کمتر زنده می ماندند. بسیاری از این کودکان در همان سنین طفولیت بر اثر بیماری های واگیر همچون آبله و سرخک یا وبا جان خود را از دست می دادند . این در حالی است که این بیماری ها در زمان حاضر با واکسن قابل پیشگیری است و اکنون به ندرت کودکی حداقل در ایران یافت می شود که به دلیل این بیماری ها بمیرد.

مادر بزرگ ها یکی از علل مهم فرزند آوری زیادشان را تعداد مرگ و میر بالای کودکان می دانستند و اگر زنی در آن زمان ها 12 فرزند به دنیا می آورد امید چندانی به ماندن تمام فرزندان نداشت.

چرا در قدیم، زاد و ولد این قدر زیاد بود؟ اما در حال حاضر میزان باروری کم شده است؟ چرا اگر به طور متوسط باروری برای هر زن ایرانی در دهه 55 تا 65 حدود هفت فرزند بود الان به 7 / 1 یا 8 / 1 فرزند رسیده است؟

جمعیت شناسان نرخ زاد و ولد را تابعی از نرخ مرگ و میر می دانند . به عبارت دیگر اگر مرگ و میر در جامعه ای زیاد باشد ، زاد و ولد هم زیاد می شود و اگر مرگ و میر کم شود ، زاد و ولد هم کم می شود.

در زمان حاضر دنیا به چه سمتی حرکت می کند ؟ آیا زاد و ولد و مرگ و میر زیاد یا کم شده است؟

دکتر «منصور شریفی» جمعیت شناس و عضو انجمن جمعیت شناسی ایران به ارتباط کم و زیاد شدن « زاد و ولد » و «مرگ و میر» با «تئوری انتقال جمعیت» اشاره می کند و این که تمام کشورها در فرایند صنعتی شدن از سطح زاد و ولد و مرگ و میر بالا به سمت زاد و ولد و مرگ و میر پایین پیش می روند.

به عبارت دیگر بسیاری از کشورهای جهان به لحاظ تاریخی از تعادلی در سطح زاد و ولد و مرگ و میر بالا ، به سمت تعادلی جدید در سطح زاد و ولد و مرگ و میر پایین پیش می روند که ایران نیز جزئی از این کشورها به شمار می آید.

ایرنا در این راستا با این جمعیت شناس و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی گفت و گویی انجام داده است که بدین شرح است:

*** آقای دکتر شریفی در فرآیند انتقال جمعیت که در آن ، کشورها از سطح زاد و ولد و مرگ و میر بالا به سمت زاد و ولد و مرگ و میر پایین پیش می روند چه اتفاقی می افتد؟**

شریفی: در فرآیند انتقال جمعیت ، امید به زندگی و سطح بهداشت و آموزش در جوامع ارتقا پیدا می کند که در پی آن؛ ابتدا مرگ و میر سپس زاد و ولد پایین می آید. اما یکی از این دو متغیر تابع دیگری است که در اینجا ، زاد و ولد تابعی از مرگ و میر است. اگر در ایران حدود سال 1300 مرگ و میر 40 تا 50 در هزار بود اکنون به 6 تا هفت هزار رسیده است و زاد و ولد نیز به حدود 18 در هزار رسیده است.

آنچه مشترک بین آن زمان یعنی ایران 1300 و ایران 1393 است این است که در هر دو زمان ، رشد جمعیت پایین است . لیکن بین این دو زمان ، اختلافی وجود دارد در آن زمان رشد جمعیت، به علت مرگ و میر های بالا ناچیز بود اما الان (ایران 1393) به علت مرگ و میر پایین ، این رشد نیز شاید اندک به نظر آید.

***سوال : آنوقت هر دو متغیر یعنی مرگ و میر و زاد و ولد ، به طور همزمان تغییر می کنند؟**

شریفی: خیر. به رغم این که زاد و ولد تابعی از مرگ و میر است اما مرگ و میر سریع تر از باروری پایین می آید. برای پایین آوردن باروری زمان بیشتری لازم است. اگر مرگ و میر با کمک عواملی همچون رعایت بهداشت و واکسیناسیون و آموزش کاهش می یابد باروری فقط به علت رعایت بهداشت و کاهش مرگ پایین

نمی آید بلکه به جز بهداشت به عواملی همچون سطح فرهنگ ، آگاهی و سطح سواد مردم و همچنین توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه و بسیاری عوامل دیگر بستگی دارد. بنابراین هر چند باروری تابع مرگ و میر است اما این دو متغیر با هم و به طور همزمان پایین یا بالا نمی روند. یک اختلاف زمانی در این فرآیند وجود دارد که موجب رشد سریع تعداد جمعیت در آن مقطع زمانی می شود.

با این تفاسیر مشاهده می کنیم ، انتقال جمعیت در کشور ما نیز وقوع یافته است. اگر در ایران دهه 55 تا 65 هر خانوار حدود هفت فرزند داشت اکنون این میزان به $8/1$ رسیده است ضمن اینکه مرگ و میر هم بسیار کاهش یافته است.

***سوال: آقای دکتر، ایران در چه مرحله ای از انتقال جمعیت است؟**

شریفی : فکر می کنم جمهوری اسلامی ایران در مرحله انتهایی انتقال جمعیت قرار دارد چون هم زاد و ولد و هم مرگ و میر در کشورمان کاهش یافته است و هر دو در یک وضعیت تقریباً ثابت قرار گرفته اند. البته انتقال جمعیت در همه جای دنیا اتفاق افتاده که نقطه آغازین آن از اروپا بوده است منتها این موضوع در اروپا به صورت درون زا ایجاد شده است اما در کشورهای جهان سوم به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی ، با کمک های دارویی و درمانی و واکسن توانستند به میزان قابل توجهی مرگ و میر را کاهش دهند. به گونه ای که اگر برای سال های 1300 مرگ و میر نوزادان زیر یکسال در ایران 450 در هر صد هزار مورد برآورد شده اما اکنون به حدود 20 در صد هزار رسیده است.

در ایران امروز هم امید به زندگی افزایش یافته است، هم زنان بسیار باسوادتر نسبت به 50 سال قبل هستند و تحصیلات دانشگاهی و اشتغال و حضور اجتماعی بیشتری در جامعه دارند و دیگر اینکه به علت تدابیر بهداشتی ، مرگ و میر مادر و کودک کاهش و سطح مراقبت های دوره بارداری نیز افزایش یافته است.

***سوال : با توجه به انتقال جمعیت و کاهش باروری در برخی کشورها از جمله ایران ، دولت ها سیاست های تشویقی برای افزایش باروری دارند. به نظر شما این سیاست ها آیا بر افزایش باروری تاثیر مثبتی خواهد داشت؟**

شریفی : واقعیات امروز نشان می دهد که به نظر نمی رسد کشوری در رابطه با سیاست های تشویقی جمعیت کاملاً موفق شده باشد. اما به هر حال کشورها بر اساس توانایی های خودشان یکسری مکانیسم های تشویقی وضع کرده و تسهیلاتی برای بچه دار شدن شهروندان ایجاد کرده اند.

به عنوان مثال کشورهای حوزه اسکاندیناوی برای نوزادان ، پرستار هایی را به منازل می فرستند ، حقوق

والدین و مراقبت های بهداشتی درمانی افزایش می یابد . همچنین کشور تایلند هم به ازای هر بچه قریب 10 هزار دلار تایلندی به والدین جایزه می دهد . اما باید اذعان داشت که هیچ کدام از این دولت ها برای افزایش جمعیتشان موفق نبوده اند.

***سوال: منظور شما این است که هیچ کدام از اقشار این جوامع از این تسهیلات استفاده نمی کنند؟**

شریفی: مهاجران اکثریت مشتریان این تسهیلات و خدمات افزایش باروری در کشورهای توسعه یافته را تشکیل می دهند . دولت های این کشورها به مهاجران به ازای هر بچه ، پول و تسهیلات اعم از فرستادن پزشک و پرستار به منازل می دهند . به عبارت دیگر آنقدر که مهاجران از این تسهیلات استفاده می کنند، مردم بومی این کشورها رغبتی برای استفاده از تسهیلات یاد شده نشان نداده اند.

***اینکه سیاست های تشویقی دولت ها موفق نبوده است به چه عللی باز می گردد؟**

شریفی: یک مقدار به تغییرات ارزشی و هنجاری جامعه ، خانواده ها ، جامعه و زن ها باز می گردد. به عنوان مثال ، زن ها در شرایط حاضر سهم بیشتر در زندگی برای خودشان می خواهند. زن ها به دنبال استقلال اقتصادی واجتماعی هستند . آنها هم همچون مردان به دنبال ارتقا عمودی در زندگی حرفه ای خود هستند. این در حالی است که اگر بچه دار شوند ممکن است بسیاری از این امتیازات را از دست بدهند . مثلا اگر در رابطه با شغل خود ارتقا بگیرند، به خاطر فرزندانشان از آن چشم پوشی می کنند. چون زمانی که در اختیار دارند را باید به بچه ها اختصاص دهند.

درست است که گفته می شود سن باروری زن بین 15 تا 49 سال است اما اوج فرزند آوری بانوان بین 15 تا 35 تا 40 سال است. هنگامی که سن ازدواج زنان بالا برود از قدرت بیولوژیکی وی برای فرزند آوری نیز کاسته می شود. به عبارت دیگر زنی که در سن 40 سالگی ازدواج کرده است و می خواهد بچه دار شود، شاید یک بچه بیاورد اما زنی که 20 ساله است زمان زیادی برای فرزند آوری بیشتر دارد.

از طرف دیگر سطح سواد زن نیز بالا رفته است. سال ها زحمت کشیده و درس خوانده است. بعد از آن است که زن، شغلی به دست می آورد که در این فرایند مشاهده می کنیم؛ سن ازدواج وی هم بالا رفته است . در کنار تمام این مسایل، با تغییر ارزشی زن هم مواجه می شویم. زنی با این شرایط آیا حاضر است این استقلال را با هر ازدواجی محدود کند؟ اصلا آیا می تواند با هر کسی ازدواج کند ؟ یا اینکه گزینه های ازدواج برای وی محدود می شود؟

زن تحصیل کرده و صاحب شغل و در عین حال مستقل به لحاظ اقتصادی و شاید عقیدتی در اکثر مواقع به مراتب شرایط زندگی اش نسبت به زمانی که به خانواده وابسته بود بهتر می شود بنابراین به راحتی هم نمی تواند از استقلال خود چشم پوشی کند. زن مستقل با این شرایط آیا می تواند به هر ازدواجی تن بدهد؟ آیا می تواند با کسی ازدواج کند که از نظر اقتصادی در سطح پایین تر از او است و احتمالا مسکن یا شغل همپراز یا مناسبی هم ندارد و قاعدتا مسکنی نمی تواند برای زنی که خودش صاحب خانه است تامین کند؟

به عبارت دیگر عواملی که مانع از ازدواج زن به هر طریقی می شود تاثیر گذارتر از عواملی هستند که به نوعی مشوق زن برای ازدواج هستند. البته این موضوع فقط ویژه ایران نیست و در تمام کشورها هم به چشم می خورد.

***سوال : شما به تغییر ارزش ها و هنجارها در خانواده هم اشاره کردید که از عوامل عدم توفیق دولت ها در اجرای مشوق های افزایش باروری هستند . این موضوع را چگونه ارزیابی می کنید؟**

شریفی: باروری را می توان از دو دیدگاه نگاه کرد . یک وقت باروری طبیعی و بیولوژیکی داریم و یک وقت نیز با باروری کنترل شده مواجه هستیم .منظور از باروری طبیعی یعنی اینکه زن، تا هر چه قدر می تواند باردار بشود و بچه به دنیا بیاورد . به عبارت دیگر آنقدر بچه دار می شود که به زمان یائسگی برسد و به همین علت دیگر نتواند بچه بیاورد اما هنگامی که بحث انتقال جمعیت وجود دارد از آنجا که توسعه اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده و سطح سواد و بهداشت مردم هم بالا رفته است این بار فرزند آوری از حالت بیولوژیکی و طبیعی خارج می شود و این خانواده است که برای تعداد افراد تصمیم گیری می کند. بنابراین به این باروری ، باروری کنترل شده می گویند که زاد و ولد با توجه به امکانات خانواده صورت می گیرد. در واقع قدرت تصمیم گیری از بیرون و طبیعت به درون خانواده انتقال می یابد.

در این شرایط زنی که می تواند مثلا تا 10 فرزند به دنیا بیاورد این بار در قالب تصمیم گیری که در سطح خانواده انجام می شود ، این تعداد را شاید به یک یا دو فرزند یا به تعداد دلخواه برساند .

این موضوع در ایران هم رخ داده است. نسبت شهرنشینی به روستائیشینی 70 به 30 است . ایران از سال های حدود 1335 به بعد با باسوادی جمعیت چه در سطح متوسطه و چه در سطح عالی مواجه شده است . مرگ ومیر کاهش بسیار زیادی داشته و زاد و ولد هم کم شده است . همچنین جمعیت از حدود 19 میلیون در آن زمان به 78 میلیون امروز رسیده است.

*** سوال : با توجه به تغییر ارزشی خانواده ها و عدم توفیق کشورهای دیگر برای تشویق افزایش جمعیت، به نظر شما باید دولت سیاست های تشویقی را چه سرانجامی بدهد؟**

شریفی: دولت باید کماکان سیاست های تشویقی خود را در پیش گیرد و از تجربیات موفق کشورها نیز استفاده کند. اگر چه دولت سیاست های تشویقی را برای فرزندآوری زوج ها باید در پیش گیرد اما در کنار آن ، به عواملی که باعث فرزند نیاوردن می شود هم توجه کند. اگر به بیانات مقام رهبری توجه کنید ایشان واژه اقتدار ملی را در ابلاغیه سیاست های کلی جمعیت بکاربرده اند. شخصا این کلمه را در سخنان ایشان بسیار کلیدی ارزیابی می کنم. دولت می تواند سیاست های تشویقی مناسب را بکارگیرد اما در مساله حاضر به نظر من بحث فقط تشویق جمعیت به باروری بیشتر محدود نیست.

دولت باید به عنوان مثال بر روی عوامل موثر بر طلاق در جامعه کار کند و طلاق را ریشه یابی کند . هر سال بر اساس آماری که ثبت احوال منتشر می کند ، حدود 700 هزار ازدواج صورت می گیرد که از این تعداد حدود 140 هزار ازدواج به طلاق می انجامد به عبارت دیگر 140 هزار زوج نمی توانند دست کم برای مدتی حتی یک فرزند بدنیا بیاورند. همچنین زن و مرد بعد از طلاق مدتی زمان لازم دارند تا بحران روحی ناشی از طلاق را سپری کنند که در این فرآیند زمانی، مرد و زن کاملاً از فرزندآوری تفکیک می شوند. مضافاً اینکه برخی از آنها به ازدواج بدبین هم می شوند. همچنین در ایران ازدواج دوم به مراتب سخت تر از ازدواج اول صورت می گیرد و همانطور که تحصیل ، زمان می برد ، ازدواج دوم هم زمان می برد و شاید برخی به علت بدبینی ، ازدواج مجدد نکنند. وقتی فرزندآوری در ایران تابع ازدواج و قوانین شرعی و عرفی است هر عاملی که بر فسخ یا تاخیر ازدواج موثر باشد لاجرم بر فرزندآوری نیز تاثیر می گذارد.

به نظر من دولت باید ریشه های طلاق را شناسایی کند و تلاش کند تا طلاق ، کمتر در کشور صورت گیرد. اگر همین 140 هزار زوج هم به چرخه فرزندآوری بازگردند می توانند به رشد جمعیت و نرخ باروری کشور کمک کنند.

ازطرف دیگر ارایه تسهیلات برای ازدواج نکرده ها و مجردها هم باید ایجاد شود. به عبارت دیگر دولت باید هم در خصوص ازدواج نکرده ها و هم طلاق بگیرها کار کند، تا آنها به مدار زاد و ولد جامعه الحاق گردند. البته این موضوع نباید باعث شود تا از زوج های دیگر غافل بمانیم. در واقع باید سن ازدواج را کنترل کنیم تا به تاخیر نیافتد و از توان زیستی زنان برای فرزندآوری کاسته نگردد.

براساس آمار ثبت احوال ، طی 20 سال گذشته به طور متوسط یک میلیون و 400 هزار ازدواج هر سال ثبت می شود. هر سال هم حدود 400 هزار مرگ و میر ثبت می شود. اگر تعداد موالید را در سال حدود یک میلیون و 400 تولد در نظر بگیریم هر 10 سال 14 میلیون نفر به جمعیت ما اضافه می شود و چهار میلیون هم می میرند. یعنی در دوره ده ساله حدود 10 میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده می شود.

اگر جمعیت پایه سال 85 ، حدود 77 میلیون بگیریم برای 30 سال بعد در سال های 1415 باید بین 100 تا 105 میلیون نفر جمعیت داشته باشیم. این به فرض حفظ شرایط موجود قابل تحقق است ضمن اینکه مهاجرت ها را در بحث وارد نکرده ایم.

در حال حاضر نرخ باروری به روایت آمار حدود 8 / 1 تا 9 / 1 برای هر مادر است که اگر نرخ جایگزینی به دو فرزند برسد مطلوب خواهد بود. در واقع امروز 18 فرزند به طور متوسط از 10 مادر متولد می شود که باید آنرا به قریب 21 فرزند از هر مادر برسانیم. این یعنی ارتقا حدود 3 فرزند برای نرخ کل باروری فعلی کشور. فکر نمی کنم کار بسیار مشکلی باشد. ضمن اینکه به دولت و دستگاه اجرایی فرصت می دهد تا تامین منابع و امکانات را با جمعیت هماهنگ کنند. این عقب ماندگی می تواند با تسهیل ازدواج و ریشه یابی طلاق و تولید فرصت های شغلی و ثبات اقتصادی در کشور برای جوانان ان شاالله جبران گردد.

سوال : فکر می کنید امکانات دولت برای جمعیت حال حاضر چگونه است؟

شریفی : به ازای هر یک درصد رشد جمعیت باید اندازه مطلوبی از رشد اقتصادی داشته باشیم. مساله اینجاست که آیا اکنون از رشد اقتصادی قابل توجهی برخوردار هستیم؟ ما الان رشد اقتصادی منفی داریم و تا آنجا که می دانم تولید اشتغال و رشد اقتصاد کشور شاید اصلی ترین دغدغه های نظام را تشکیل می دهد.

ایران در دهه 60 با بیش از 17 میلیون نفر بزرگترین تعداد موالید خود را در تاریخ کشور داشته است. این جمعیت بسیار بزرگ در دهه 1420 وارد 60 سالگی و به تبع آن سالخوردگی خواهد شد. البته کل جمعیت کشور نیز در آن زمان کمتر از 105 یا 110 میلیون نخواهد بود. توجه کنید که نرخ سالمندان در کل جمعیت با سالخوردگی جمعیت متفاوت است. بخشی از برنامه هایی که امروز انجام می شود باید انجام شود و با رویکرد به آینده و جمعیت پر تعداد سالمندان سالهای 1420-1430 هدف گیری شود. چگونگی ارایه امنیت بهداشت، دارو، درمان، حمل و نقل و سایر خدمات گوناگون به جمعیت شاید 15 میلیونی بالای 60 سال در آن زمان باید بشدت امروز مورد تاکید و توجه کافی قرار گیرد و نباید زمان را از دست بدهیم. این موضوع در کنار تشویق جمعیت به فرزند آوری قرار می گیرد. فراموش نکنیم که بسیاری از منابع ما محدود و تجدید ناپذیر هستند.